

تحلیلی کیفی از جرایم خشن زنان: زمینه‌ها و انگیزه‌ها

سهیلا صادقی فسایی^۱، مرضیه ابراهیمی^{۲*}

چکیده

در حالی که خشونت مردان در متن زندگی اجتماعی آن‌ها بررسی می‌شود، خشونت زنان، بدون در نظر گرفتن تأثیر عوامل اجتماعی، به عوامل فردی‌ای چون استرس‌های روانی، پرخاشگری یا عصبانیت‌های زنانه نسبت داده می‌شود. برخلاف این‌گونه تفسیرهای رایج و متعارف، که سعی می‌کند خشونت زنان را در قالب تفاسیر فردی و کلیشه‌ای قرار دهد، در این مقاله، خشونت زنان در ارتباط با تجربیات زندگی آن‌ها توضیح داده می‌شود. مطالعه حاضر، که از نوع مطالعات کیفی است، با انجام دادن مصاحبه‌های عمیق با ۳۰ زن، که به علت ارتکاب جرایم خشن در زمان اجرای مصاحبه‌ها (سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳) در زندان بوده‌اند، به این مطلب دست یافت که خشونت زنان عمدتاً مواجهه‌ای است و تفسیر جرایم خشن زنان بدون توجه به نابرابری‌های ساختاری، نابرابری‌های جنسیتی، انزوا و بی‌قدرتی آن‌ها ممکن نیست. روایت زندگی زنان مصاحبه‌شده نشان می‌دهد که خشونت زنان انعکاس‌دهنده سبک زندگی آن‌هاست که با محرومیت‌ها و تبعیض‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی درهم تنیده است و به عبارت دیگر، رفتارهای خشن زنان نوعی مقابله با شرایطی است که دائماً آن‌ها را در موضع قربانی شدن قرار داده است. پیشینه و نحوه زندگی زنان مطالعه‌شده نشان می‌دهد که بسیاری از آن‌ها در دوران کودکی خشونت‌های فیزیکی، عاطفی، روانی و جنسی را تجربه کرده‌اند یا با ازدواج‌های اجباری و زودرس دائماً تحت یک نوع رابطه اجباری و سلطه‌جویانه درآمده‌اند که در واقع منعکس‌کننده تعاریف فرهنگی از نقش مردان است.

کلیدواژگان

آزارهای جنسی، خشونت زنان، روش کیفی، قربانی شدن، نابرابری جنسیتی.

ssadeghi@ut.ac.ir

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

Ma_abraimi2004@yahoo.com

۲. دکتری جامعه‌شناسی گرایش بررسی مسائل اجتماعی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۱

مقدمه و طرح مسئله

نگاهی به آمارهای جرمی^۱ نشان می‌دهد که میزان جرایم مردان همواره نسبت به جرایم زنان بیشتر و این امر در جرایم خشن آشکارتر است. به عبارت دیگر، آمارها منعکس‌کننده این واقعیت است که جرم و کج‌روی به‌خصوص جرایم خشن، عمدتاً پدیده‌ای مردانه است. از این‌رو، پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه «جرایم زنان» در ایران و جهان اصلاً قابل مقایسه با حجم، تنوع و عمق علمی همین تحقیقات در حوزه «جرایم مردان» نیست. همین موضوع، سبب غلبه «دیدگاه مردانه» در تحلیل «شاخص‌های جرایم زنان» شده است و همین «نامتجانس‌بودن» در نگاه، نظریه‌ها و تحلیل‌ها، از دقت علمی نتایج حاصل از همین تحقیقات معدود در حوزه «جرایم زنان» کاسته است.

اگرچه زنان به‌مراتب کمتر از مردان درگیر جرایم خشن می‌شوند، این امر نباید مانع از بررسی موضوع شود. امروزه، بر این مسئله توافق نسبی وجود دارد که درک و تفسیر جرایم خشن بدون در نظر گرفتن متغیر جنسیت امکان‌پذیر نیست؛ درحالی‌که احتمالاً جرایم خشن مردان در چارچوب تضاد و رقابت فهم می‌شود، جرایم خشن زنان احتمالاً واکنشی است و باید در نحوه تعاملات آن‌ها با مردان فهم شود.

بررسی تاریخ زندگی زنان مجرم نشان می‌دهد که بسیاری از آن‌ها در ویژگی‌هایی چون بزرگ‌شدن در خانواده‌های نابسامان، تجربه خشونت‌های فیزیکی و جنسی در دوران کودکی، ازدواج‌های زودرس و اجباری، سابقه درگیر شدن در روابط نامشروع، مصرف مواد مخدر و الکل مشترک‌اند. از این‌رو، بحث درباره خشونت زنان باید در ارتباط با زمینه‌های ساختاری و ارتباطی که تجربه زندگی این زنان را شکل داده است، بررسی شود [۷۴]

آنچه در این پژوهش مورد نظر قرار گرفته است، بررسی روابط خانوادگی و تجربه زیسته زنانی است که به دلیل ارتکاب جرایم خشن در زندان به سر می‌برند. در این رویکرد، سعی بر آن است تا عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم فهم شود و برخلاف برخی از تئوری‌ها، به صورت تک‌بعدی درباره موضوع بررسی شده قضاوت نشود.

۱. بررسی‌های آماری محکومان به زندان و روند تحول آن از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ در سطح کشور و آمارهای استانی مربوط به سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴ نشان می‌دهد که به‌رغم افزایش چهار برابری تعداد جرم زنان، نسبت جرم زنان در سال‌های مذکور به کل جرایم اندکی کاهش یافته است. دلیل این امر آن است که میزان جرم مردان با سرعت بیشتری افزایش یافته است. همچنین، با مقایسه میزان افزایش جرم زنان با افزایش جمعیت آنان این نتیجه حاصل می‌شود که تعداد جرایم ثبت‌شده زنان، افزایشی معادل ۲/۲ برابر داشته است. اما در همین مدت، جمعیت زنان بالای ۱۵ سال سن افزایشی حدود ۱/۵ برابر را نشان می‌دهد. بنابراین، رشد جرایم زنان بیش از رشد جمعیت بالای ۱۵ سال بوده است.

پیشینه پژوهش

لومبروزو و فررو نخستین مطالعه علمی درباره بزهکاری زنان را با عنوان *زنان بزهکار و زن روسپی* به چاپ رساندند. از نظر نویسندگان این کتاب زنان کمتر از مردان به ارتکاب جرم دست می‌زنند، اما روسپی‌گری از جرایمی است که از دید آن‌ها زنان به اقتضای طبیعت زنانه خود به آن گرایش دارند. پولاک نیز در کتاب *بزهکاری زنان* (۱۹۵۰) و توماس در کتاب *دختران ناسازگار و گارنیه در زن بزهکار* از نخستین افرادی هستند که به تبیین جرایم زنان پرداخته‌اند. پژوهش‌های انجام‌گرفته از سوی صادقی [۵۹] و معظمی [۵۰] نیز از نخستین پژوهش‌هایی است که به جرایم زنان در ایران پرداخته‌اند. اما تعداد تحقیقاتی که صرفاً به جرایم خشن در میان زنان پرداخته باشند بسیار اندک است.

پیشینه مربوط به موضوع پژوهش را می‌توان در پژوهش‌های متخصصان جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی و روان‌شناسی دنبال کرد. هریک از این متخصصان با رویکرد تخصصی خود به موضوع جرایم زنان نگرسته و آن را ارزیابی و تحلیل کرده‌اند. با توجه به هم‌پوشانی موجود در مطالعات جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی، این متخصصان عوامل مهمی را که در خصوص علت‌یابی ارتکاب جرایم زنان مدنظر قرار می‌دهند عبارت‌اند از: وضعیت خانوادگی افراد (خشونت‌های خانوادگی، ازدواج‌های تحمیلی، محل سکونت، تعاملات اعضای خانواده، طلاق و...)، وضعیت تحصیلی افراد (تجربه ناموفق تحصیلی، برچسب‌زدن، ارتباط با همسالان و...)، وضعیت حقوقی و قانونی (محدودیت‌های قانونی برای زنان، نگاه زنان به طلاق، ضعف‌های قانونی و...) و وضعیت اقتصادی (فقر، بیکاری، مشکلات اقتصادی کلان و...). شایان ذکر است که مطالعات جرم‌شناسی تأکید بیشتری بر قانون و نحوه اجرای آن دارند، اما تحقیقات جامعه‌شناسانه بیشتر به عوامل اجتماعی مؤثر بر ارتکاب جرم می‌پردازند. تحقیقات روان‌شناختی نیز، با توجه به نوع شخصیت و بررسی اختلالات روانی، به ارزیابی وضعیت متهمان پرداخته‌اند. این تحقیقات از طریق تست‌های روان‌شناسی و مصاحبه‌های بالینی وضعیت روانی افراد را در هنگام وقوع جرم و بعد از آن توصیف و بررسی می‌کنند.

در پژوهش‌های پیشین، داده‌ها از چند طریق جمع‌آوری شده است. برخی از مطالعات از طریق بررسی اسناد و آمار موجود به تحلیل و پیش‌بینی پرداخته‌اند. روش مطالعات دیگر، کمی و از طریق تکمیل پرسش‌نامه بوده است. در این روش، با طراحی پرسش‌نامه، به جمع‌آوری اطلاعات زمینه‌ای افراد و اثبات یا رد فرضیه‌ها پرداخته شده است. روش‌های کیفی نیز در میان محققان از طریق تکنیک مصاحبه، مشاهده و برگزاری مصاحبه‌های متمرکز به کار گرفته شده است. در این روش، محققان از اثبات و رد فرضیه‌ها فراتر رفته و به دنبال اکتشاف بوده‌اند. در این پژوهش، سعی شده علاوه بر بهره‌گیری از پژوهش‌های پیشین، فضاهای تهی آن‌ها پوشش داده شود و به مواردی پرداخته شود که کمتر در پژوهش‌های قبلی بحث و بررسی شده است.

ملاحظات نظری

با توجه به اهمیت و فهم دیدگاه سوژه در مورد دنیای اجتماعی که در آن به سر می‌برد، پژوهش کیفی خود را به کاربرد نظریه خاصی محدود نمی‌کند و اصولاً کار به صورت استقرایی و با جمع‌آوری داده‌ها آغاز می‌شود. اگرچه نقش تئوری‌ها در شکل‌گیری سؤالات انکارناپذیر است، استفاده محقق از تئوری‌های موجود بیشتر استنادی و تطبیقی است تا مبنایی. به این معنا که پژوهش کیفی بدون آنکه نظریه خاصی را بر سوژه‌های پژوهش خود تحمیل کند، در مقام تفسیر، تطبیق و استناد از نظریه‌ها بهره می‌گیرد. اما از آنجا که پژوهش کیفی با مدل استقرایی شروع می‌شود، این امکان وجود دارد که نظریه هنگام جمع‌آوری داده‌ها ظاهر یا در مرحله تحلیل داده‌ها استفاده یا اساسی برای مقایسه در نظر گرفته شود [۳۱]. در این پژوهش، می‌توان نظریه‌های مرتبط را در چهار دسته مورد نظر قرار داد. برخی از افراد برای جرایم زنان علت‌های زیست‌شناختی و بیولوژیکی در نظر می‌گیرند و معتقدند وضعیت جسمانی یا تغییرات هورمونی است که زنان را به حوزه جرایم سوق می‌دهند. در میان این افراد، تبیین‌های جنسی در خصوص زنان اهمیت زیادی دارد. جرم‌شناسان اثبات‌گرای اولیه زیست‌شناس بودند. این تحقیقات اولیه، که با پیشگامی سزار لومبروزو همراه بود، نشان می‌دهد که برخی از مردم ویژگی‌های اولیه‌ای در درون خود دارند که براساس آن جنایت‌کار به دنیا می‌آیند. امروز این تحقیقات کم‌ارزش‌اند، زیرا از نظر روش‌شناسی، آزمودن و منطقی ضعیف‌اند. نظریات زیست‌شناسان در اوایل قرن بیستم مورد توجه قرار گرفتند. در دهه ۱۹۷۰، انتشار نظریه زیست‌شناسی اجتماعی از سوی ادموند ویلسون دیگران را برانگیخت؛ به طوری که چند جرم‌شناس دوباره به مطالعه پایه‌ای زیستی جنایت‌کاری روی آوردند.

از طرف دیگر، برخی نظریه‌ها با تأکید بر ویژگی‌های روانی زنان و عوامل شخصیتی آن‌ها به تبیین جرم پرداختند. آن‌ها معتقدند که برخی از وقایع و تجربه‌های ناخوشایند زنان در کودکی، مانند تجاوز، تجربه خشونت‌های خانگی و امثالهم، بر ارتکاب آن‌ها به جرایم تأثیرگذار است. تلاش روان‌شناسان در ارتباط با رفتار مجرمانه ریشه‌های تاریخی دارد و بر این باور است که همه مجرمان مجنون‌اند و نقص ذهنی دارند. این عقیده زمان زیادی مورد پذیرش عموم قرار نگرفت.

نظریه‌های جامعه‌شناسانه با رویکردی جامع، عوامل مؤثر بر جرایم زنان را واکاوی می‌کنند و خصوصیات فردی و عوامل ساختاری را مدنظر قرار می‌دهند. اگر دور افتادن افراد طبقه پایین جامعه از اهداف، معیارها و قوانین جامعه دلیل روی آوردن به مجرمیت شناخته شود، معقول و منطقی است که برای جایگزینی رفتار مجرمانه فرصت‌ها در اختیار ساکنان این نواحی قرار گیرد تا بتوانند از مزایا و امتیازات متعارف جامعه بهره ببرند. به‌تازگی، جرم‌شناسان عوامل مربوط به تعدادی از مدل‌های نظریه معاشرت ناباب را در قالب تئوری‌های تلفیقی جرم ترکیب کرده‌اند. مثال‌هایی از این رهیافت شامل «مدل بسط اجتماعی» و «تئوری تلفیق الیوت» است که هر دوی آن‌ها به کنترل موقعیت اجتماعی از سوی رویدادهای زندگی معتقدند. مدل توسعه اجتماعی

پیشنهاد می‌کند که زندگی در مناطق سازمان‌نیافته به تضعیف قیدوبندهای اجتماعی کمک می‌کند؛ تئوری الیوت [۲۹] نیز بیان می‌دارد که فشار و تنگناها زمینه‌ساز تضعیف قیدوبندهای اجتماعی است. هر دو نظریه دریافته‌اند که قیدوبندهای تضعیف‌شده به گسترش همکاری با گروه‌های بزهکار هم‌سن‌وسال منجر می‌شود. در حالتی دیگر، تئوری ساختاری یکپارچه و نظام‌یافته هکالوین و پائولی [۲۹] متغیرهای متناقض را به عوامل نظریه‌های فرایندی و ساختاری اضافه کرد. نظریه خصلت‌های پنهان [۲۹] بیان می‌داد که برخی ویژگی‌های زیربنایی موجود در زمان تولد یا بلافاصله پس از آن، رفتار را کنترل می‌کند. ویژگی‌های مشکوک شامل بهره‌ر هوشی اندک، اعمال ناخودآگاه و هیجانی و ساختار شخصیتی می‌شود. این ویژگی‌های اساسی و زیربنایی ادامه بزهکاری را تبیین می‌کنند، زیرا در طول زندگی با شخص باقی می‌مانند. گاتفردسون و هیرشی و ویلسون و هرنشتین تئوری‌های مربوط به ویژگی‌های نهفته را ارائه و بسط داده‌اند که بیان می‌کند: افراد با ویژگی‌های نهفته به انتخاب جرم می‌پردازند. فرصت و موقعیت برای اعمال مجرمانه، انتخاب آن‌ها را تعدیل می‌کند. نظریه چرخه دوره زندگی نیز چنین بیان می‌دارد که رویدادهایی که در دوره زندگی هر فرد اتفاق می‌افتند بر انتخاب‌های مجرمانه وی تأثیر می‌گذارند. علل وقوع جرم همان‌گونه که افراد رشد و تکامل می‌یابند، تغییر می‌کنند. در مرحله اول، بنیان خانواده بر رفتار تأثیر می‌گذارد. طی دوران جوانی، گروه‌های همسالان بر فرد حاکم‌اند. در بزرگسالی، ازدواج و شغل مسائل حائز اهمیت به‌شمار می‌آیند. همچنین، مسیرهای مختلفی در رسیدن به جرم وجود دارد. بعضی از بچه‌ها پنهان‌کار و فریب‌کارند، عده‌ای متخصص می‌شوند، درحالی‌که هنوز گروهی بی‌اعتنا به مسائل باقی می‌مانند. جنایت ممکن است بخشی از عرصه گسترده مشکلات اجتماعی باشد. این مشکلات گوناگون عبارت‌اند از: مشکلات بهداشتی، فیزیکی (جسمانی) و مشکلات درون‌شخصیتی. ترنس تورن بری، دیوید فارینگتون، جاب لاب و رابرت تامپسون نظریه‌های مهم چرخه زندگی را تدوین کردند [۲۹].

اهداف

- شناسایی زمینه‌های فردی مؤثر بر وقوع جرایم خشن زنان؛
- بررسی روایت زنان از علل وقوع جرم و عوامل مؤثر بر وقوع جرایم خشن زنان.

روش

با توجه به موضوع این پژوهش، بهترین روش برای جمع‌آوری اطلاعات، روش کیفی و تحلیل پدیدارشناسانه است. برای اثبات کارآمد بودن این روش دلایل مختلفی را می‌توان برشمرد که به برخی از آن‌ها در ادامه اشاره می‌کنیم:

۱. **موضوع مطالعه شده:** برای توضیح این امر لازم است دو نکته را تفکیک کنیم. ابتدا موضوع آسیب‌شناسانه «جرایم خشن» و دوم ورود به حوزه مطالعات زنان است. در مورد علت‌یابی جرایم خشن لازم است تجربه زیسته و روایت‌های افرادی که درگیر ماجرای ارتکاب به جرم خشن- قتل یا جرایم مقرون به آزار- هستند از سوی محققان بازایی و تفسیر شود.

۲. **شرایط افراد مطالعه شده:** نویسنده دوم با حضور در زندان زنان- در مطالعات اکتشافی خود- دریافت که افراد نمونه در بیشتر موارد شرایط مساعدی برای تکمیل پرسش‌نامه یا پاسخ‌گویی به سؤالاتی ساخت‌یافته نداشتند. آنان نمی‌توانستند به راحتی بر موضوعی متمرکز شوند. این عدم تمرکز می‌تواند دلایل متفاوتی داشته باشد که مهم‌ترین آن «احساس ترس و اضطراب» است. برای کنترل این احساس و بی‌تأثیر بودن آن بر پژوهش، لازم است با جلب اعتماد، هم‌دردی، شنیدن درددل و... شروع کرد و کم‌کم به موضوع پژوهش و علت‌یابی آن پرداخت.

۳. **سنجش اعتبار داده‌ها در بستر طبیعی مطالعه:** معمولاً زنانی که مرتکب جرایم خشن می‌شوند، در محیط زندان «رفتارهای خشونت‌آمیز» خود را ساده‌تر بروز می‌دهند و از قبال آن به کسب شهرت می‌پردازند. اما با ورود به محیطی متفاوت، حتی دادسرا یا دادگاه یا در حضور افراد غیرخودی زندان، به کتمان خود واقعی‌شان می‌پردازند. از طرف دیگر، افرادی که به‌طور اتفاقی دست به خشونت زده‌اند نیز در این محیط با سرگرمی در کارهای هنری و دستی یا روی آوردن به انزوا و فاصله‌گیری از دیگران «خود واقعی‌شان» را نشان می‌دهند. به نظر می‌رسد محیط زندان افراد را به دلایل مختلف به خود واقعی‌شان نزدیک‌تر می‌کند و تشخیص ویژگی‌های آن‌ها در این محیط بهتر از سایر محیط‌های پژوهشی است.

براساس مطالب یادشده و استدلال نویسندگان برای انتخاب روش مناسب با موضوع تحقیق، پس از مطالعه پیشینه پژوهش، با تأکید بر مطالعاتی که با روش کیفی- صورت گرفته‌اند و آرای صاحب‌نظران، به بررسی تکنیک‌های مناسب برای جمع‌آوری اطلاعات پرداختیم که در بخش بعد بدان اشاره می‌کنیم.

روش نمونه‌گیری و جمع‌آوری اطلاعات

در این تحقیق، با ۳۰ زن، که در زمان پژوهش در زندان زنان شهرری به سر می‌بردند، مصاحبه شده است. افراد مصاحبه‌شده از طریق نمونه‌گیری هدفمند و از میان کسانی انتخاب شدند که مرتکب جرایم خشن شده بودند. مصاحبه‌ها در کلاس یا اتاق‌هایی در زندان انجام شد و تلاش شد تا عوامل مزاحم کنترل شوند. میانگین زمان مصاحبه‌ها ۴ ساعت بود. به دلیل مسائل

امنیتی امکان ضبط مصاحبه‌ها وجود نداشت و همهٔ جملات مصاحبه در حین گفت‌وگو یادداشت می‌شد. پس از اتمام مصاحبه‌ها و اجرای روش‌های تکمیلی سنجش صحت یافته‌ها، مصاحبه‌ها از طریق سه مرحلهٔ کدگذاری، تحلیل و جمع‌بندی شدند. علاوه بر زنان زندانی، با مسئولان یا بازپرسان نیز مصاحبه‌هایی انجام گرفت. این گونه مصاحبه‌ها زمینهٔ آشنایی بیشتر نویسنده‌گان را با جرایم زنان و نحوهٔ واکنش سیستم قضایی با جرایم زنان فراهم می‌کند.

یافته‌های پژوهش

الف) زمینه‌های فردی مؤثر

۱. سن

معمولاً میزان ارتکاب به جرم در میان جوانان به مراتب بیشتر از کسانی است که در سنین میانسالی یا بزرگسالی قرار می‌گیرند و این امر در مورد مردان بیشتر صادق است تا زنان. یکی از علل این امر سبک زندگی مردان جوان است که اغلب با هیجان‌طلبی، ماجراجویی و خطرپذیری گره خورده است و به میزان زیادی می‌تواند برایشان دردساز باشد. حال آنکه زنان جوان بیشتر مورد نظارت و کنترل قرار می‌گیرند. یافته‌های این مطالعه مؤید رابطهٔ میان سن و ارتکاب به جرایم است. مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش در گروه‌های سنی که در جدول ۱ آمده طبقه‌بندی شده‌اند. با توجه به نتایج جدول ۱، بیشترین افراد به گروه سنی ۲۶ تا ۳۰ و پس از آن به گروه سنی زیر ۲۰ سال تعلق دارد.

جدول ۱

اولویت‌بندی	فراوانی	گروه‌های سنی
دوم	۷	زیر ۲۰ سال
چهارم	۲	۲۱-۲۵ سال
اول	۹	۲۶-۳۰ سال
چهارم	۲	۳۱-۳۵ سال
سوم	۵	۳۶-۴۰ سال
سوم	۵	۴۰ سال به بالا
	۳۰	جمع کل

گروه سنی ۲۶ تا ۳۰ سال- بیشترین نمونهٔ این پژوهش- کسانی هستند که وقایع مهم زندگی خود را تجربه می‌کنند. آن‌ها در سنین ازدواج و اشتغال قرار دارند و به نحوی سن استقلالشان در جامعه را تجربه می‌کنند. این تجربه‌ها اگر با شکست یا بحرانی مواجه شود، می‌تواند در مواردی به جرم و بزهکاری منجر شود.

۲. وضعیت تأهل

ازدواج یکی از وقایع مهم زندگی هر فرد است که در زمینه و بستری اجتماعی تحقق می‌یابد؛ به طوری که وقوع کوچک‌ترین تحول در امر ازدواج را صرفاً با توجه به تداخل و تعامل سایر عوامل اجتماعی می‌توان تجزیه و تحلیل کرد. تحولات اقتصادی و اجتماعی بر مناسبات خانوادگی تأثیر می‌گذارند و برعکس، تحولی همچون تغییر سن ازدواج نیز تأثیرات و پیامدهای متعدد و مهمی را، هم برای فرد و هم جامعه، به دنبال دارد.

در زمینه موضوع ازدواج، نمونه این پژوهش در سه دسته کلی قرار می‌گیرند. دسته اول متأهلان رسمی‌اند که به طور رسمی و قانونی ازدواج کرده‌اند و زندگی می‌کنند. اما در دسته دوم کسانی قرار می‌گیرند که همه ویژگی‌های افراد متأهل همچون خانه مشترک، ارتباط زناشویی و... را دارند، اما به صورت رسمی و قانونی ازدواجشان ثبت نشده. جنس آسیب‌های اجتماعی این دو گروه متفاوت است. در نهایت، بیشتر قربانیان همسر زنان‌اند. گروه سوم، که فقط یک نفر از نمونه این تحقیق را شامل می‌شود، فردی است که تجربه ازدواج نداشته، اما دوستی‌های مکرر با جنس مخالف داشته و بخشی از دلایل ارتکاب به جرم وی در همین ارتباطات غیرمتعارف نهفته است که در بخش‌های دیگر بدان می‌پردازیم.

جدول ۲

وضعیت تأهل	رتبه اول	رتبه دوم	رتبه سوم
متأهل رسمی	۲۰	۹	۱
متأهل اسمی			
مجرد			

در این پژوهش، بخش زیادی از جرایم خشن زنان در بستر خانواده و در میان زنان متأهل رخ می‌دهد و این مسئله می‌تواند ضرورت و اهمیت پرداختن به این موضوع را بیش از پیش مشخص کند. افزایش ازدواج‌های غیررسمی نیز پدیده جدیدی است که با توجه به تحولات جامعه بروز و ظهور می‌یابد و این مسئله در عرصه آسیب‌های اجتماعی بیش از سایر عرصه‌های اجتماعی نمایان می‌شود.

۳. تحصیلات

یافته‌های این پژوهش در خصوص متغیر تحصیلات در جدول ۳ آمده است. در این پژوهش، بیشترین فراوانی در افراد زیر دیپلم بوده است و ۱۸ نفر از نمونه این پژوهش در این گروه جای می‌گیرند. آن‌ها در پاسخ به این سؤال که چرا درس نخوانده‌اید گفتند: «بابام می‌گفت خرج اضافه. آخرش باید بری کهنه بچه بشوری»، «خانواده‌ام گفتن دختر باید شوهر کنه و درس به دردش نمی‌خوره»، «دختر رو آدم حساب نمی‌کنن و همه حقی رو ازش می‌گیرن حتی حق تحصیل» و... .

جدول ۳

اولویت‌بندی	فراوانی	وضعیت تحصیلی
اول	۱۸	زیر دیپلم
دوم	۷	دیپلم
سوم	۴	در حال تحصیل
چهارم	۱	لیسانس
۳۰		جمع کل

افراد دیپلمه در این پژوهش- طبق روایتشان- یا در برابر محدودیت‌های خانواده مقاومت کرده‌اند و به تحصیل ادامه داده‌اند (با واسطه‌گری اعضای فامیل) یا به دلیل ازدواج و اشتغال دست از ادامه تحصیل کشیده‌اند. یکی از افراد نمونه دو لیسانس داشت که یکی از آن‌ها را در خارج از زندان و لیسانس دیگر را داخل زندان گرفته بود.^۱ بخش مهم ماجرا تحلیل‌های متفاوت وی از حوزه جرایم بود. او علت علاقه خود را به ادامه تحصیل در زندان و تحصیل در رشته حقوق، درگیر شدن در مشکلات حقوقی خودش بیان می‌کند. به نظر می‌رسد در صورت عملکرد درست مدارس و جدی گرفتن حق تحصیل برای دختران و پیگیری محدودیت‌های خانوادگی آنان، تعداد زیادی از آن‌ها در میانه راه متوقف می‌شدند و وارد حوزه جرایم نمی‌شدند. البته این نکته به معنای چشم‌پوشی از تأثیرات سایر عوامل نیست، اما نمی‌توان تأثیر مهم مدارس در جامعه‌پذیری را انکار کرد.

۴. سوء سابقه

در بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده، رابطه قوی و پایداری میان سابقه بزهکاری افراد با ارتکاب مجدد آن‌ها به جرم وجود دارد. این مسئله بدین معناست که کسانی که برچسب زندان یا مجرم بودن را یک بار تجربه می‌کنند، دفعات بعدی راحت‌تر به این مسئله روی می‌آورند، زیرا به نظرشان دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند. زنان در این پژوهش- به جز ۴ نفر- سوء سابقه نداشته‌اند و تصمیم‌گیری‌شان برای ارتکاب به جرم خشن براساس سوابق جرمی آن‌ها نبوده است.

جدول ۴

ندارد	دارد	
۲۶	۴	سوء سابقه
اولویت اول	اولویت دوم	

۱. شایان توضیح است که در زندان امکان ادامه تحصیل برای زنان فراهم شده و برخی از زنان در فرصت حضور در زندان به ادامه تحصیل می‌پردازند، اما، باین‌حال، تعداد کمی از آن‌ها انگیزه کافی را برای ادامه تحصیل دارند.

سابقه ۴ نفر از نمونه این پژوهش در حوزه جرایم اخلاقی و مواد مخدر بوده و سایر زنان سابقه جرم نداشته‌اند.^۱ نکته حائز اهمیت در این میان، کجروی ثانویه آن‌هاست که از طریق ایجاد باند در داخل زندان با سایر مجرمان تحقق می‌یابد. تشکیل باندهای مجرمانه در زندان به دلیل دریافت حمایت‌های بعد از خروج از زندان و ارزیابی زنان از طرف‌های احتمالی است که ممکن است پس از خروج از زندان با آن روبه‌رو شوند. گروه‌های مجرمانه با حمایت مالی و تأمین سرپناه، زنان را پس از آزادی از زندان در دایره جرائم نگه می‌دارند.

زمینه‌های اجتماعی مؤثر

۱. بلوغ مرضی؛ شروع بحران

خانواده، به‌منزله نخستین نهاد اجتماعی، مهم‌ترین نقش را در آموزش و انتقال اطلاعات و رفتارهای بهداشتی به نوجوان دارد [۶۵]. اگرچه هریک از اعضای خانواده در آموزش مسائل بلوغ به نوجوانان نقش دارند، جایگاه مادر در این میان بارزتر از دیگران است و بیشتر نوجوانان رفتارهای بهداشتی را از مادران خود فرامی‌گیرند. مدارس نیز در زمینه آموزش بلوغ به دختران در جایگاه دوم قرار می‌گیرند. بررسی‌ها نشان داده‌اند که بیشتر پدران، مادران، نوجوانان و مربیان از مسائل بهداشتی دوران بلوغ آگاهی ندارند [۵۵].

مصاحبه‌های عمیق نشان می‌دهد که بسیاری از پاسخ‌گویان در دوران نوجوانی نوعی بلوغ مرضی را تجربه کرده‌اند که این امر خود به منشأ ناشناخته‌ای برای تولید آسیب‌های دامنه‌دار اجتماعی تبدیل شده است. در نمونه‌های این پژوهش و در میان همه کسانی که تجربه‌ای تلخ و نفرت‌انگیز را از دوران بلوغ خود تصویر می‌کنند، مهم‌ترین و مشترک‌ترین عامل ناآگاهی از تجربه جسمی‌ای است که برای دختران به وقوع پیوسته و آن‌ها را در معرض استرس، آسیب‌های روانی، بهداشتی، جسمی و جنسی قرار داده است. همان‌گونه که یکی از نمونه‌های این پژوهش اعلام می‌کند:

من رو آوردن خونه و دیدم درد شدید دارم. کمرم و دلم خیلی درد می‌کرد... بعد فهمیدم که تغییراتی کردم... گفتم شاید روده‌هام پاره شده. چند روز طول کشید و استرس داشتم که خوب نمی‌شم. بلوغ زودرس داشتم. دیگه از اون به بعد هر ماه این اتفاق می‌افتاد و من با استرس پنهانش می‌کردم... با مادرم خیلی رودروایی داشتم و سری اول تندتند لباس عوض می‌کردم که نفهمه. ماه بعد به دختر همسایه، که نامزد داشت، گفتم که این جوری شدم و... و برام توضیح داد. مامانم تا ۱۱ سالگی نفهمید که

۱. یکی از دلایل نداشتن سابقه از سوی این زنان کنترل مداوم از طرف مردان و گاهی برخورد متفاوت سیستم‌های انتظامی و قضایی با زنان و تسامح نسبت به زنان است. در این پژوهش، علت اول (کنترل مداوم زنان) مهم‌ترین عامل تخطی نکردن آن‌ها از هنجارهاست.

پریود می‌شم. باغچه داشتیم و تندتند لباس‌ها را می‌شستم و می‌نداختم خشک بشه. غسل هم نمی‌دونستم تا ۱۱ سالگی... (۴۶ساله، زیر دیپلم).

معمولاً، در میان بسیاری از خانواده‌ها، برخورد با پدیده بلوغ بسیار محتاطانه است؛ تا جایی که گاهی آن را پدیده‌ای زشت و شرم‌آور می‌دانند. از این رو، کمتر در مورد آن حرف می‌زنند و اطلاعات لازم در اختیار بچه‌ها قرار نمی‌گیرد. حتی در میان بعضی خانواده، بنا بر ملاحظات قومی و فرهنگی، این باور وجود دارد که بالغ شدن در خانه پدری امری ناپسند است. چنین برخوردی با یک پدیده طبیعی و فیزیولوژیک می‌تواند آن را به پدیده ترسناک و هول‌آوری برای دختران تبدیل کند و دستاویزی برای تحقیرشدگی از سوی افراد ذکور قرار دهد. بعضی از دختران از ترس انگ نخوردن و غیراخلاقی دیده نشدن، بلوغ خود را پنهان می‌کنند که این امر نه تنها می‌تواند آن‌ها را دچار اضطراب و استرس مضاعف کند، بلکه زمینه تنش میان آن‌ها و افراد خانواده را فراهم می‌کند. یکی از پاسخ‌گویان اظهار می‌داشت که پنهان کردن بلوغ خود، موجب درگیری وی و همسرش شده و دائماً همسر وی با شک و تردید وی را بازخواست می‌کرده که علت پنهان کردن این مسئله چه چیزی بوده است:

باورت نمی‌شه تجربه جنسی اولم با شوهرم چقدر بد بود. من رو قبل از بلوغ شوهر دادن و وقتی خونه شوهرم بودم بالغ شدم. اولش خیلی ترسیدم و نمی‌دونستم چه اتفاقی برام افتاده و از شوهرم پنهان می‌کردم. فکر می‌کردم عیبی دارم و طلاقم می‌ده یا می‌خواد بگه زن بدی بودی. یه روز که مشکوک شد و فهمید، کلی مصیبت داشتیم. همه‌ش می‌گفت چرا قایم کردی؟ چه مشکلی داشتی؟ نکنه چیزهای دیگه هم قایم می‌کنی؟ و... اما من فقط نمی‌دونستم و اصلاً فکر نمی‌کردم واسه همه اتفاق می‌افته. مامانم هم همین‌جوری شوهر دادن و اون بدبخت هم نمی‌دونست باید به من بگه (۲۸ساله، زیر دیپلم).

درحقیقت، بعضی از زنان، به دلیل ناآگاهی، دوره بلوغ را با ترس و اضطراب طی می‌کنند و به تدریج قدرت تطبیق با شرایط خاص آن را از دست می‌دهند و این امر ممکن است آن‌ها را در دام آسیب‌های رفتاری بیندازد.

می‌دونی یه بزرگ‌تر بالا سرم نبود تا این چیزها رو برام بگه. دیگه این‌ها که پول و لباس خوب و... نیست که بگن توقع زیاد داریم. این‌ها حق‌مونه... نه تو خونه و نه تو مدرسه جرئت فکر کردن راجع به این مسائل رو به آدم نمی‌دن. دختر توی این جامعه همه چیزش مخفی و نباید کلامی حرف بزنه. زن توی این جامعه آدم حساب نمی‌شه. این دیگه سلامت آدمه. من بعد از بلوغ مشکلات جسمی و بهداشتیه زیادی داشتم. کی باید این‌ها رو جواب بده؟ برو به این قاضی و وکیل‌ها و تحصیل کرده‌ها بگو لازم نیست تا آدم کشتیم بیان سراغمون. زحمت بکشن قبلش هم بیان و بیرسن چه مرگتونه و مقصرهاش که خودشون و مدرسه‌هاشون هم هستن مجازات کنن... (۴۳ساله، زیر دیپلم).

به نظر می‌رسد خلأ اصلی در این مورد طرح‌نشدن نکات آموزشی، بهداشتی و پزشکی بلوغ در کتاب‌های درسی است.

این قدر توی مدرسه این مسئله رو پنهان می‌کردن که واسمون جذاب‌تر می‌شد. یادمه اگه یه معلمی با هزار زحمت قرار بود از بلوغ بگه و خودش تو ۴۰ سالگی صدبار سرخ و سفید بشه، چه هیاهویی واسمون ایجاد می‌شد و کلی یواشکی پیچ‌پیچ می‌کردیم. انگار داره حرف بد می‌زنه، یکی نیست بگه خب این جوری که بچه‌ها خودشون مشکوک بشن بدتره. مدرسه و معلم‌هاش اگه همه‌چیز رو روشن بگن، این مسئله به مسائل جنسی پیوند نمی‌خوره و جذابیتش واسه آدم تو دوره بلوغ بیشتر نمی‌شه (۱۶ساله، در حال تحصیل).

اگرچه آموزش و پرورش می‌تواند نقش آموزشی و پرورشی مهمی را بازی کند و بچه‌ها را متوجه خطرها و آسیب‌های احتمالی بلوغ کند و برای مقابله با جنبه‌های آسیبی آن‌ها را آماده کند، روایت پاسخ‌گویان حاکی از آن است که این منظور حاصل نشده است.

بلوغ فقط تغییرات جسمی نیست. حالا که اینجا هستم بیشتر می‌فهمم که بلوغ مسئله اجتماعی و روانی هم داره. توی دوران بلوغ، که همه چیزها و حس‌ها و حتی فکرها تغییر می‌کنه، دوست داری ننه و بابات حواسشون بهت جمع باشه. یه کم که بزرگ‌تر شدم اطرافم می‌دیدم که بعضی خانواده‌ها واسه دخترهاشون جشن می‌گیرن یا حمایتشون می‌کنن. دخترها توی این دوره اعتمادبه‌نفسشون رو پیدا می‌کنن یا از دست می‌دن. ما که از گروه دوم بودیم. الان مامانم و مدرسه و همه جامعه رو مقصر می‌دونم و احساس می‌کنم یکی از تجربیاتم که باید خوب بود و نبود رو از دست دادم... (۳۰ساله، دیپلم).

دوره بلوغ نیازهایی برای نوجوان ایجاد می‌کند که باید به آن‌ها پاسخ داد. پدر و مادر در این دوران باید درباره تغذیه، پوشاک، استحمام، نظافت فردی، ورزش، گردش و روابط خانوادگی و دوستانه وی نیز توجه کافی داشته باشند. رفع نشدن یک یا چند نیاز یا اقماع‌نشدن دختران می‌تواند پایه‌ای برای پرخاشگری، عصیان و عقده‌های روانی یا به صورت معکوس انزوا و افسردگی شود. یکی از یافته‌های این پژوهش بلوغ مرضی در قالب بلوغ زودرس یا ناآگاهی از بلوغ است که متأسفانه هر دو نوع بلوغ زمینه‌ساز بروز جرایم خشن برای زنان بوده است.

۲. تجاوز جنسی؛ تشدید بحران

آنچه در این پژوهش مدنظر ما قرار می‌گیرد، احساس و توصیفی است که زنان از ارتباط جنسی خود دارند. این مسئله بسیار مهم و درخور تأمل است؛ اینکه زنان رابطه جنسی را متعلق به مردان می‌دانند و تنها بخشی را که در این ارتباط سهم خود می‌دانند «تولید مثل» و «فرزندزایی» است. بیشتر نمونه‌های این پژوهش نخستین ارتباط جنسی خود را، که در قالب

تجاوز بوده، «ترسناک»، «دردناک» و «یک‌طرفه» توصیف می‌کنند. این نکته که زنان متأهل نیز نخستین رابطه جنسی‌شان را، همچون زنانی که به آن‌ها تجاوز شده است، با همان ویژگی‌ها توصیف می‌کنند، اهمیت بسیاری دارد. هر دو گروه (زنانی که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند و زنانی که متأهل‌اند) نخستین رابطه جنسی خود را شبیه هم بازگو می‌کنند. یکی از کسانی که به او تجاوز شده در پاسخ به این سؤال که احساسش به رابطه جنسی و تصورش از لذت جنسی چیست، این‌گونه پاسخ می‌دهد:

رابطه جنسی که یعنی همه‌ش درد و ترس و فشارهای روحی و روانی. یعنی یکی تو رو حیوون می‌بینه و ازت که استفاده کرد می‌ندازد دور. من اولین بار که این مسئله رو تجربه کردم حالم بد شد و به خدا هم شک کردم که چرا زن‌ها این قدر بدبخت‌ان. الانم نظرم اینه که رابطه جنسی یعنی خودت رو بذاری در اختیار یه مرد و شاید اگه به هدفش رسید، یه توجهی هم بهت بکنه. من هیچ‌وقت تو روابط جنسی‌م حس محبت و عشق رو نفهمیدم. حتی احساس لذت هم برام شبیه رؤیا و خیال بود. البته یه بار که از یکی خوشم اومد، فکر می‌کردم شاید اون با همه فرق داشته باشه. باهاش ارتباط داشتم، چون دیگه چیزی واسه از دست دادن ندارم. اما تصویرهای تجاوز تو بچگی‌م ولم نمی‌کنه و باعث می‌شه بیشتر بدم بیاد و نسبت به همه مردها و ارتباط جنسی باهاشون نفرت پیدا کنم... (۲۹ساله، در حال تحصیل).

از طرف دیگر، زنان متأهل نیز نخستین ارتباط جنسی خود را «نفرت‌انگیز» و از سر اجبار و تسلیم توصیف می‌کنند. یکی از زنان، نخستین ارتباط خود را این‌گونه توضیح می‌دهد:

اولین بار که خواست باهام رابطه داشته باشه من ترسیدم و خواستم فرار کنم، اما کتکم زد و به زور باهام رابطه داشت. فکر کن اولین بار با چشم کبود و بدن درد به یه مرد نزدیک می‌شی. فرداش که همه پرسیدن چی شده، گفتم زمین خوردم. کاش زمین می‌خوردم. همین مسئله باعث شد که ازش بدم بیاد و از اون روز به فکر انتقام بودم (۳۷ساله، زیر دیپلم).

این مسئله منعکس‌کننده بعضی از خصایص فرهنگی است که مردان را در موضع برتر و زنان را در موضع فروتر قرار می‌دهد و در روابط جنسی مردان را فعال و زنان را منفعل می‌داند. اینکه زنان هیچ تصور مثبتی به ارتباط جنسی خود ندارند به دلیل آموخته‌های سنتی و فرهنگی است که پیوسته به آن‌ها یادآوری می‌کند آن‌ها منفعل‌اند و باید مایه لذت و آرامش مردان باشند. حتی سکوت زنان در مواقعی که در ارتباطات جنسی آسیب می‌بینند، نشئت‌گرفته از همین طرز تفکر است. یکی از زنان در زندان، که تجربه جنسی متفاوتی با دیگران داشت و معتقد بود که ارتباط جنسی‌اش (حتی در ملاقات‌های شرعی با همسرش) معمولاً با لذت جنسی توأم است، این‌گونه می‌گوید:

شاید برای شما که تحصیل کرده هستید جالب باشد، من یه روز تصمیم گرفتم از زن‌های متأهل اینجا بپرسم می‌دونن لذت جنسی چیه و علامت‌هاش چیا هستن؟ باور کن هیچ‌کدوم نمی‌دونستن و برام عجیب بود. من لذت جنسی رو تجربه کردم و این‌قدر برای یه زن مهمه که می‌تونه روحیه‌اش رو عوض کنه. اگه الان ملاقات‌های شرعی م‌دیر بشه، خشن می‌شم و به هم می‌ریزم. به نظر من رابطه جنسی هم از جهت حس جسمی‌ش و هم حس روحی‌ش برای یه زن خیلی مهمه. اما توی جامعه ما زن‌ها اصلاً نمی‌دونن این چی هست؟ (۳۷ساله، لیسانس)

در جامعه ما مسئله جنسی و توجه به آن تغییرات بسیاری کرده است. باید بپذیریم که گرچه ارائه آمار دقیقی از تعداد تجاوزهای جنسی در قالب ازدواج یا خارج از چارچوب آن در حال حاضر امکان‌پذیر نیست، اصل وقوع این مسائل را نمی‌توان پنهان کرد. توجه به این مسائل از سوی متخصصان و مسئولان جامعه امری ضروری است. در صورت نپرداختن به این مسئله، آسیب‌ها و مشکلات بسیاری در انتظار جامعه خواهد بود. کما اینکه یکی از پاسخ‌گویان می‌گوید:

کاش مسئولان و آدم‌هایی که دستشون به یه جایی می‌رسه یه کاری کنن که من و امثال من از گفتن اینکه مورد تجاوز بودیم نترسیم! کاش حمایتون کنن و نذارن که به اینجاها بکشه! حالا اینجا صدتا مشاور هم بذارن دیگه چه فایده‌ای داره. اینجا ته خط ماست. کاش به حال بقیه فکری کنن! خیلی از زن‌ها اینجا شوهرهاشون رو کشتن چون تو خلوتشون از شوهرهاشون کتک خوردن و تهدید شدن و تحقیر شدن و کسی نفهمیده. خدایی‌ش برن چی بگن؟ بگن دیشب شوهرمون به خاطر خودش کتکشون زد؟ اصلاً تو فرهنگ ما این حرف‌ها هست؟ به خدا قاضیه می‌گه برو سر زندگی‌ت زن، چقد بی‌حیایی، خجالت بکش... خب این هم نتیجه‌ش... بابا و داداشت هم که بهت تجاوز کنن، باید ساکت بشی، چون دختری و ابروت می‌ره. کاش همه ما زن‌ها رو یه جای دیگه تبعید کنن! شاید همه چی درست بشه از نظر اون‌ها... (۱۹ساله، زیر دیپلم).

مصاحبه‌های عمیق آشکار کرد که بزرگ شدن بعضی از زنان در خانواده‌های نابسامان تجربه‌های وحشتناکی را برای آن‌ها دربر داشته است که از آن جمله می‌توان به آزار و ایزدای جنسی اشاره کرد که از سوی محارم علیه آن‌ها صورت گرفته است؛ موضوعی که از یک‌سو به شدت با مبانی اعتقادی و فرهنگی ما در تضاد است و از سوی دیگر بیان و پیگرد قانونی آن از سوی قربانی بسیار مشکل است، زیرا از سوی اطرافیان و دستگاه‌های قانونی وقوع آن ناباورانه تلقی می‌شود و بیشتر به سرزنش قربانی می‌انجامد تا حمایت از وی. شکل‌گیری این‌گونه وقایع به‌منزله یک بحران نه‌تنها زندگی افراد را دگرگون می‌کند و آسیب‌های روحی و روانی بسیاری را بر آن‌ها تحمیل می‌کند، بلکه می‌تواند آن‌ها را به سمت رفتارهای کج‌روانه سوق دهد. دختران

پس از اینکه به آن‌ها تجاوز می‌شود، احساسات متفاوتی را بروز می‌دهند، اما در نهایت آسیب جسمی و روانی آن‌ها مشترک است.

یادم می‌آید از ترس برادرهام شب‌ها به مامانم می‌چسبیدم و می‌خوابیدم. یه شب که متوجه شدم برادرم بهم نزدیک شده، به مامانم گفتم و کلی دعوا کردم و سرزنش‌م کرد که خودت بدی. همیشه از تو خونه بودن با بابام و داداش‌هام می‌ترسیدم. برآشون فرقی نمی‌کرد. لباس مردونه می‌پوشیدم، بازم اذیت می‌کردن. واسه اینکه به مامانم نگم، برام هدیه می‌خریدن یا کنکم می‌زدن و می‌ترسوندم. حالم از این اتفاق‌ها بد می‌شد و منتظر بودم ازشون انتقام بگیرم. الان که زدم یه مردی رو کشتم، اون هم با اون شرایط بدترین وضع بریدم، واسه همون روزها و آسیب‌هایی که به نظرم تازه اون موقع فرصت جبرانش رو پیدا کردم و دلم خنک شد (۲۷ساله، دیپلم).

درحالی که کلیه اشکال تجاوز تروماتیک‌اند، بنابر روایت آن دسته از زنانی که تجربه تجاوز از سوی محارم را داشته‌اند، نامشروع‌ترین و بدترین نوع تجاوز تلقی می‌شود، زیرا آن‌ها در محیط امن خانواده و از سوی محارم اذیت و آزار شده‌اند و از سوی دیگر نزدیکی مکانی قربانی با متجاوز، آن‌ها را در معرض آزارهای مکرر قرار می‌دهد و از همه بدتر آنکه دختران دائماً با تهدید، خشونت و حق‌السکوت دعوت به سکوت می‌شده‌اند. تبعات این‌گونه آسیب‌ها در زندگی این زنان بسیار جدی و درخور تأمل است. فرار از خانه، درخواست حمایت از مردهای غریبه، تن‌دادن به ازدواج‌های ناخواسته، پناه بردن به مواد مخدر، بی‌اعتمادی و تنفر از مردان و درگیر شدن در فرصت‌های جرمی از تبعاتی است که در زندگی آن‌ها نمودار می‌شود. در این میان، دخترانی که تجربه فرار دارند در نهایت راهی به جز بازگشت به خانه ندارند و بارها در صحبت‌های خود اظهار می‌کنند که:

هم تو خونه گرگ داشتیم و هم بیرون از خونه. وقتی از خونه زدم بیرون، دیدم همه یه‌جوری نگاهم می‌کنن. جالبه باز هم من مقصر بودم. شما بگید من که از تجاوز پدرم فرار کرده بودم کجا باید می‌رفتم؟ نه دادگاهش و نه آدم‌ها به من نگاه خوبی نداشتن و مطمئن بودم هر جا برم بهم می‌گن خودت بد بودی. داشتم نابود می‌شدم. وقتی به بابات نمی‌تونی اعتماد کنی، باید به کدوم مردی اعتماد بکنی؟ وقتی تمام شب، از ترس، چشمت به سقفه که کسی نیاد کنارت و... چه فرقی داره که توی پارک و روی نیمکت نگران تجاوز مردهای اطرافت باشی؟ می‌دونی به نظر من واسه ما خونه و خیابون فرق کمی داشت. شاید هم اصلاً فرقی نداره. اگه مرد غریبه باهات هر کاری کنه، دلت آرومه که چشمت تو چشم بابات نیست... (۲۸ساله، زیر دیپلم).

بنابر روایت پاسخ‌گویان، مادران نخستین افرادی بوده‌اند که در جریان خشونت‌های جنسی علیه دختران قرار می‌گرفته‌اند. اما آن‌ها نیز، به دلایل مختلفی چون ترس از بی‌آبرویی، ترس از به هم ریختن خانواده، ترس از تشدید خشونت‌های خانگی و آسیب‌های بعدی، دختران را

دعوت به سکوت می‌کرده‌اند یا با مقصرانگاری آن‌ها، از دختران می‌خواستند که در نحوه پوشش یا رفتار خود تجدید نظر کنند. در یکی از موارد، که مادر هنگام شب متوجه تعرض برادر ناتنی به دخترش شده بود، دختر را سرزنش می‌کند که باید لباس گشاد می‌پوشیدی یا درست رفتار می‌کردی. فقط در یک مورد است که مادر از همسرش به دلیل تجاوز به دخترش شکایت می‌کند. پاسخ‌گو در این زمینه می‌گوید:

وقتی مامانم فهمید که بابام بهم تجاوز می‌کنه، عصبانی شد و قرار شد بریم از شکایت کنیم. کارهای شکایت هم انجام دادیم و وقتی رسید به صدور حکم و اعدام بابام، من رضایت دادم. البته بگم مامانم این رو بهونه کرد که خودش هم انتقام اذیت‌های بابام رو بگیره. وگرنه تو این قضیه‌های حیثیتی معمولاً همه سکوت می‌کنن. اما به نظر من و مامانم تنها راه خلاصی از دست بابام همین بود (۳۰ساله، دیپلم).

تجاوز جنسی می‌تواند پیامدهای متعددی بر قربانی و متجاوز داشته باشد که آسیب‌های جسمی، روانی، خانوادگی و اجتماعی از این آثار است. در زمینه آسیب‌های اجتماعی می‌توان به افزایش انحرافات، قتل از سوی بستگان بزه‌دیده، طرد اجتماعی و سقوط در ورطه فحشا اشاره کرد.

یکی از زندانی‌ها، که به جرم قتل همسرش به علت تجاوز به دخترش دستگیر شده است، چنین می‌گوید:

به روز دخترم دوید سمتم و گفت دیگه به آقاجون نمی‌گم آقاجون. گفتم چرا؟ گفت دستش رو گذاشته اینجام (اشاره به کتف و نزدیک سینه). روش نشد بگه به سینه‌ش دست زده و با خجالت تعریف کرد که بهش گفته می‌دونستی عاشق چشمات شدم. اومدم توی پذیرایی و با خشم بهش نگاه کردم. پنج‌شنبه مرضیه و میثم رفتن خونه مادر بزرگشون و من هم شروع کردم به نقشه کشیدن واسه قتل و کشتنش (۵۰ساله، زیر دیپلم).

معمولاً از نخستین پیامدهای تجاوز جنسی برای قربانی آن، آسیب‌های جسمی است. دامنه این آسیب‌های جسمی از آسیب‌دیدگی اندام‌های بدن تا ابتلا به بیماری‌های مقاربتی مثل ایدز را شامل می‌شود. ابتلا به بیماری‌های روانی از دیگر پیامدهای تجاوز است. بیشتر زنانی که به آن‌ها تجاوز می‌شود به بیماری‌های روحی و روانی از قبیل افسردگی، اختلالات شخصیتی، کابوس، بیزاری از آمیزش جنسی، ترس و خشم و... مبتلا می‌شوند. از دیگر پیامدهای تجاوز جنسی، آسیب‌های خانوادگی است؛ در بیشتر موارد، خانواده قربانیان، همانند خود قربانی، مسائل و مشکلات بسیاری را متحمل می‌شوند. مسائل جسمی و جنسی و مشکلات روحی و روانی قربانی بستر ساز مشکلات بسیاری برای خانواده وی خواهد بود.

دسته دیگر کسانی هستند که از سوی افراد غریبه به آن‌ها تجاوز شده است. این زنان معمولاً به عرصه روابط نامشروع کشیده می‌شوند و از ترس برچسب نخوردن به ادامه رابطه تن می‌دهند. زنان زندانی که قربانی تجاوز شده‌اند در هر سه دسته «احساس اضطراب و ترس» را با خود به همراه دارند. فقط زنانی که از سوی افراد غریبه به آن‌ها تجاوز شده این احساس را به دلیل برچسب خوردن از سوی خانواده یا طرد شدن بیشتر به همراه دارند. تجربه تجاوز به‌طور کلی - افراد را برای ارتباط با مردان دیگر برای دریافت حمایت یا فرار از خانه و پناه‌بردن به فردی غریبه در مسیر هموارتری قرار می‌دهند. دختران پس از این آسیب احساس می‌کنند دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند و چون شانس برای ازدواج خود نمی‌بینند، به هر ارتباطی تن می‌دهند و این ارتباطات در اغلب موارد به انباشت نفرت از جنس مخالف و رابطه جنسی منجر می‌شود و در جایی طغیان آن در قالب جرایم خشن دیده می‌شود. به نظر می‌رسد دختران در هر سه گروه - به‌خصوص گروه سوم - برای بازگویی تجربه تلخ خود احساس امنیت نمی‌کنند و پنهان‌کاری و سکوت اصلی‌ترین و مشترک‌ترین راهی است که برمی‌گزینند.

روایت یک قتل

در یکی از موارد، نمونه مورد نظر در راه بازگشت از دانشگاه به خانه، از سوی مردی ربوده و مورد تجاوز واقع می‌شود. پس از اتمام رابطه، مرد به دختر می‌گوید که از وی فیلم و عکس دارد و اگر به ارتباط جنسی با وی ادامه ندهد، آن‌ها را در اختیار خانواده‌اش قرار می‌دهد. پس از گذشت حدود یک سال از ارتباط اجباری و مبتنی بر تهدید، دختر تنها راه نجات خود را در ازدواج با مردی دیگر می‌بیند.

اما فرد متجاوز به مزاحمت‌های خود ادامه می‌دهد تا جایی که زن به همراه همسرش طی یک درگیری وی را به قتل می‌رسانند. این زن و همسرش ۱۱ سال است که در زندان به سر می‌برند و یک فرزند دارند که در زندان به دنیا آمده است. وی ماجرا را چنین روایت می‌کند:

اون موقع حالی م نبود و می‌ترسیدم به خانواده‌م بگم. من یک سال و نیم از ترسم به یه رابطه زورکی تن داده بودم؛ رابطه‌ای که از سر تهدید و ترس بود. کاش بهمون می‌گفتن اگه به خانواده بگیم نمی‌کشنمون، دارمون نمی‌زنن. از ترس مزاحمت و تجاوز اون ازدواج کردم و فکر کردم دست از سرم برداره که آخرش این شد... (۳۷ساله، لیسانس).

شناسایی زمینه‌ها، انگیزه‌ها و علل تجاوز می‌تواند در خصوص ارائه راهکارهای پیشگیرانه، مقابله‌ای و بازتوانی بزه‌دیده‌ها مفید واقع شود. به‌طور کلی، روایت زنان از تجاوز نشان می‌دهد که علت تجاوز بیشتر از آنکه به خصوصیات مردان متجاوز ارتباط داشته باشد، به منزلت اجتماعی قربانیان ارتباط دارد. بیان این موضوع بدین معنا نیست که زنان در مقابل خشونت‌هایی که علیه آن‌ها انجام می‌گیرد مسئول باشند؛ برعکس به این معناست که چگونه انزوا و بی‌قدرتی و

موقعیت سیاسی-اقتصادی زنان را در موضع آسیب‌پذیری قرار می‌دهد. امروزه، آن دسته از تحلیل‌های سنتی که بر خصوصیات و انگیزه‌های مجرمان تأکید می‌کند، برای فهم تجاوز کفایت نمی‌کند. تجاوز صرفاً یک رفتار جنسی تلقی نمی‌شود، بلکه یک نوع رفتار مطیع‌سازی و تسلط‌جویانه است که در واقع منعکس‌کننده تعاریف فرهنگی از نقش مردان است [۳۰].

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در کلیه کتاب‌های جرم‌شناسی این توافق وجود دارد که زن‌ها کمتر از مردان دست به جرم و جرایم خشن می‌زنند. در حالی که جرم و کج‌روی معمولاً ویژگی مردانه تلقی می‌شود، جرایم زنان با این عنوان که زنان مجرم یا زن نیستند یا جرایم آن‌ها جرم نیستند، تفسیر می‌شود. در حالی که جرایم مردان با ارجاع به متن اجتماعی توضیح داده می‌شود، جرایم زنان با ارجاع به ویژگی‌های فردی توضیح داده می‌شود و خشونت زنان بدون در نظر گرفتن تأثیر عوامل اجتماعی به عوامل فردی چون استرس‌های روانی، پرخاشگری یا عصبانیت‌های زنانه نسبت داده می‌شود. برخلاف تفسیرهای رایج و متعارف، که سعی می‌کند خشونت زنان را در قالب تفاسیر فردی و کلیشه‌ای قرار دهد، در این مقاله، خشونت زنان در ارتباط با تجربه‌های زندگی آن‌ها توضیح داده می‌شود. نتایج پژوهش حاضر، که حاصل از مصاحبه‌های عمیق با ۳۰ زن زندانی است، آشکار کرد که خشونت زنان بسیار پیچیده‌تر از خشونت مردان است. بنابراین، برای بررسی آن باید به نقش‌های جنسیتی زنان و الگوهای جامعه‌پذیری آن‌ها توجه کرد. در پاسخ به این سؤال که چرا زنان دست به جرایم خشن می‌زنند، ابتدا پیشینه زندگی آن‌ها بررسی شد و بعد به این مسئله پرداخته شد که چگونه سبک زندگی زنان، آن‌ها را به سمت رفتارهای خشن کشانده است. روایت زندگی زنان آشکار کرد که رفتارهای خشن آن‌ها ارتباط زیادی با تجربه‌هایشان در دوران کودکی و بزرگسالی دارد. بیشتر پاسخ‌گویان به تجربه مسائلی چون فقر، محرومیت، تبعیض، محیط ناسالم، فقدان حمایت‌های اجتماعی و قانونی اشاره کردند. بنابراین، می‌توان گفت که خشونت زنان منعکس‌کننده سبک زندگی آن‌هاست که با محرومیت‌های فردی و اجتماعی‌شان گره خورده است؛ مثلاً، بسیاری از پاسخ‌گویان اظهار داشتند که چگونه به دلیل زن بودن از اساسی‌ترین حقوق خود، مثل ادامه تحصیل، محروم شده‌اند یا چگونه سطحی از آسیب‌پذیری مضاعف را به دلیل جنسیت و بدن زنانه متحمل شده‌اند و بعضاً مورد تعرض و آزار جنسی قرار گرفته‌اند. یا چگونه بالغ‌شدن برای آن‌ها با ترس و هراس همراه بوده است و به دلیل بالغ‌شدن از سوی نزدیکان سرزنش، تحقیر و ملامت می‌شدند. در جایی که زنان مورد آزار محارم یا غریبه‌ها قرار می‌گرفتند، ترس از متجاوزان و دریافت‌نکردن حمایت‌های خانوادگی، اجتماعی و قانونی بیش از پیش آنان را در موضع آسیب‌پذیری قرار می‌دهد و زندگی آن‌ها در سراسری انحراف و کج‌روی قرار می‌گیرد. ازدواج‌های زودرس و اجباری، فرار از خانه، روی آوردن به مواد، بی‌اعتمادی به خانواده، ترس و اضطراب دائمی، احساس ناامیدی و درماندگی و درنهایت درگیر شدن در کج‌روی از

پیامدهای اجتناب‌ناپذیر زندگی این زنان در اوان جوانی بوده است. برای بیشتر این زنان خشم ناشی از قربانی شدن بسیار اساسی و بر روی رفتارهای خشن آن‌ها بسیار تأثیرگذار بوده است.

در بسیاری از مواقع، زندگی زنان با مردانی گره خورده که سابقه جرم داشتند و زنان به تبع آن‌ها به جرم و کج‌روی کشیده شدند. جمع‌بندی یافته‌ها حاکی از آن است که زنان مورد بحث برای تأمین امنیت خود نمی‌توانند به هیچ‌کس امیدوار باشند. خشونت برای چنین افرادی که در شرایط محرومیت و انزوای اجتماعی قرار دارند، یک انتخاب اجتناب‌ناپذیر است. خشونت زنان بیشتر در حوزه خانواده و علیه یک مرد و به‌ندرت در مورد غریبه‌ها رخ می‌دهد. خشونت زنان عمدتاً واکنشی است و بدون توجه به نابرابری‌های ساختاری، نابرابری‌های جنسیتی، انزوا و بی‌قدرتی آن‌ها قابل توضیح و تفسیر نیست.

زنان در ارتکاب جرایم خشن اغلب نقش معاون را در کنار یک مرد بازی می‌کنند. اگرچه در نمونه این پژوهش سعی شد تا زنانی که شخصاً به جرم خشن دست زده‌اند (مباشر جرم) مورد توجه قرار گیرند، در اغلب موارد یک مرد آنان را به‌عنوان معاون همراهی کرده است. از طرف دیگر، قربانی جرایم خشن زنان در نمونه این پژوهش، به جز دو نفر، همگی مرد بوده‌اند و نسبت مردان با زنان زندانی «شوهرشان» بوده است. دو تجربه مهم «بلوغ مرضی» و «تجاوز جنسی» موجب نفرت زنان از جنس خودشان^۱ شده بود و آن‌ها دائماً با بازگشت به این تجربه‌ها از زن بودن خود و رفتارها و مناسک مربوط به آن احساس انزجار می‌کردند و بیشتر آن‌ها به سردرگمی در بازیابی هویت جنسی خود دچار شده بودند.

منابع

- [۱] آبوت، پاملا؛ والاس، کلر (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم‌عراقی، تهران: نی.
- [۲] احمدی خراسانی، نوشین (۱۳۸۰). *سال‌نامه زنان ایرانی*، نشر توسعه.
- [۳] احمدی، حبیب (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- [۴] اخوان تفتی، مهناز (۱۳۸۲). «پیامدهای طلاق در گذار از مراحل آن»، *نشریه مطالعات زنان*، س اول، ش ۳.
- [۵] اعزازی، شهلا (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- [۶] انسلم استراس؛ جولیت کوربین (۱۳۹۰). *اصول روش تحقیق کیفی، نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- [۷] اوحدی، بهنام (۱۳۸۰). *تمایلات و رفتارهای جنسی انسان*، تهران: مؤلف.

۱. با توجه به اینکه نفرت از احساسات منفی است، در بیشتر موارد مصاحبه این نفرت به صورت رفتار خشن (جرم) بروز و ظهور پیدا کرده است. گاهی زنان به دلیل نفرت از جنس زنانه خود به زندگی خشن روی آورده‌اند و همه تلاش خود را برای رفتاری مردانه‌داشتن به کار گرفته‌اند.

- [۸] ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸). *مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- [۹] باستانی، سوسن؛ صالحی هیکویی، مریم (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۳۰.
- [۱۰] برگر، پیتر و همکاران (۱۳۸۱). *ذهن بی‌خانمان، نوسازی و آگاهی*، ترجمه محمد ساوجی، تهران: نی.
- [۱۱] بولک، برنار (۱۳۸۵). *کیفرشناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: مجد، چ ۵.
- [۱۲] پاک‌نیا، محبوبه؛ مردیها، مرتضی (۱۳۹۰). *سیطره جنس*، تهران: نی.
- [۱۳] پوت، واین (۱۳۸۶). *روان‌شناسی و جرم*، ترجمه داوود نجفی توانا، تهران: میزان.
- [۱۴] پورنقاش تهرانی، سید سعید (۱۳۸۴). «بررسی خشونت خانوادگی در خانواده‌های تهرانی»، *دوماهنامه علمی-پژوهشی دانشور رفتار*، دانشگاه شاهد، آبان، س ۱۲، ش ۱۳.
- [۱۵] پیکا، ژرژ (۱۳۹۳). *جرم‌شناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- [۱۶] توسلی، غلامعباس (۱۳۸۳). «تحلیلی از اندیشه پیروردیو درباره فضای منازعه‌آمیز اجتماعی و نقش جامعه‌شناسی»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۳.
- [۱۷] جرجانی، حمید (۱۳۸۹). «بررسی آماری جرایم زنان ایران (با تأکید بر محکومیت حبس)»، *مجله حقوقی دادگستری*، س ۷۴، ش ۷۲.
- [۱۸] جوادی، محسن (۱۳۹۰). *اخلاق و پژوهش مبانی و مسائل*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- [۱۹] چلبی، مسعود؛ رسول‌زاده اقدم، صمد (۴). «آثار نظم و تضاد خانواده بر خشونت علیه کودکان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۴، ش ۲.
- [۲۰] حمیدی، فریده (۱۳۸۲). *حقوق زنان، حقوق بشر*، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- [۲۱] دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۷). *لغت‌نامه*، تهران.
- [۲۲] رابینگتن، ارلوواینبرگ، مارتین (۱۳۸۳). *رویکردهای نظری هفت‌گانه در بررسی مسائل اجتماعی*، ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه.
- [۲۳] رازقی، جین‌ای (۱۳۸۷). «واردکردن آموزش شغلی در برنامه درسی: اولین گام جهت حل مشکل ترک تحصیل در آموزش ویژه»، ترجمه قربان همتی علمدارلو و ستاره شجاعی، *ماهنامه تعلیم و تربیت استثنایی*، ش ۸۲.
- [۲۴] رامین، جهاننگلو (۱۳۸۳). *حاکمیت و آزادی*، ج ۲، تهران: نی.
- [۲۵] رتیزر، جورج (۱۳۷۹). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی، چ ۴.
- [۲۶] رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۳). «تجاوز و بزه‌دیدگی زنان»، *فصل‌نامه کتاب زنان*، ش ۲۲.
- [۲۷] رضانی نوری، محمود (۱۳۷۳). *فرهنگ حقوقی مدین، قم: مدین*.
- [۲۸] ریمون گسن (۱۳۷۰). *جرم‌شناسی نظری*، ترجمه مهدی کی‌نیا.

- [۲۹] سیگل، لاری. جی. (۱۳۸۵). *جرم‌شناسی*، ترجمه یاشار سیفالهی، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس آگاهی ناجا.
- [۳۰] صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۸۹). «استراتژی‌های زنان در مقابله با خشونت‌های خانگی»، *مجله مسائل اجتماعی*.
- [۳۱] صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۹۱). «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی قتل»، آماده چاپ.
- [۳۲] صادقی فسایی، سهیلا؛ ستار، پروین (۱۳۹۰). «جرم: برساخته ذهنیت، گفتمان و قدرت»، فصل‌نامه پژوهش حقوق، س ۱۳، ش ۳۳.
- [۳۳] عارفی، مرضیه (۱۳۸۳). «شناسایی متغیرهای اثرگذار بر ترک تحصیل زود هنگام دختران دوره راهنمایی تحصیلی»، فصل‌نامه پژوهش زنان، دوره ۲، ش ۳.
- [۳۴] عبداللهیان، حمید (۱۳۸۳). مطالعه روابط ترکیبی شیوه‌های فرهنگی زنان و مردان در شهر تهران، گزارش تحقیق، معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- [۳۵] عبداللهیان، حمید و همکاران (۱۳۸۵). «روایت‌شناسی؛ موارد خاصی از بازاندیشی خویشتن زنانه»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۷.
- [۳۶] عظیم‌زاده، شادی (۱۳۹۰). *جرم‌شناسی تطبیقی پایداری در بزهکاری در حقوق ایران و آمریکا*، انتشارات جاودانه جنگل.
- [۳۷] عنایت، حمیده؛ موحد، مجید (۱۳۸۳). «زنان و تحولات ساختاری خانواده در عصر جهانی شدن»، *پژوهش زنان*، دوره ۲، ش ۲.
- [۳۸] فلیک، اووه (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- [۳۹] قرائی مقدم، امان‌الله (۱۳۷۴). *مبانی جامعه‌شناسی*، تهران: ابجد.
- [۴۰] قهاری، شهربانو و همکاران (۱۳۸۵). «سلامت روان زنان قربانی همسرآزاری»، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان*، دوره ۸، ش ۴.
- [۴۱] کاترین مارشال؛ گرچن راس من (۱۳۹۰). *روش تحقیق کیفی*، ترجمه علی پارساییان، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چ ۴.
- [۴۲] کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۶). *مبانی جرم‌شناسی*، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران، چ ۱۰.
- [۴۳] گرت، استفانی (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی جنسیت*، ترجمه کتابیون بقایی، نشر دیگر.
- [۴۴] گزارش کمیته مأمور در امر خشونت و بزهکاری تحت ریاست آلن پروفیت (۱۳۷۸). ترجمه مرتضی محسنی.
- [۴۵] گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، ج ۴، تهران: نی.
- [۴۶] مجموعه کنوانسیون‌های بین‌المللی، ج ۳، انتشارات اداره قوانین و مقررات کشور.
- [۴۷] محمدی، زهرا (۱۳۸۳). *بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه ۱۳۷۰-۱۳۸۰*، روابط عمومی شورای فرهنگی-اجتماعی زنان.
- [۴۸] مشکانی، محمدرضا؛ مشکانی، زهرا السادات (۱۳۸۱). «سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۴، ش ۲.
- [۴۹] معظمی، شهلا (۱۳۸۳). *علوم جنایی: بررسی جرم‌شناختی جرایم زنان*، تهران: سمت.
- [۵۰] میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۲). *جرایم علیه اشخاص*، نشر میزان.

- [۵۱] نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۶). *تقریرات درس جرم‌شناسی (بازیروری بزهکاران)*، تهیه و تنظیم: سلمان عمرانی، بازیبنی: قاسم کرامت.
- [۵۲] نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳). *تقریرات درس جرم‌شناسی (بزهکاری زنان)*، تهیه و تنظیم: حسن قاسمی مقدم، دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع).
- [۵۳] نجفی توانا، علی (۱۳۹۲). *جرم‌شناسی، آموزش و سنجش*.
- [۵۴] نیازپور، امیرحسن (۱۳۹۰). *توافق‌شدن آیین دادرسی کیفری*، نشر میزان.
- [۵۵] هیدنسون، فرانسیس (۱۳۸۹). *زنان و مقوله جرم*، ترجمه محمدتقی نوری، نشر مجد.
- [۵۶] وایت،راب؛ هینز، فیونا (۱۳۸۳). *جرم و جرم‌شناسی*، ترجمه علی سلیمی، مؤسسه پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- [۵۷] وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (۱۳۷۶). *بهداشت نوجوانان؛ راهنمایی والدین و مربیان*، تهران: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، حوزه معاونت بهداشتی، اداره کل بهداشت خانواده.
- [58] Ary, D., Jacobs, L. C., & Razavieh, A. (1990). Introduction to research in education (4th ed.). Fort Worth, TX: Holt, Rinehart, and Winston.
- [59] Browne, Angela. (1987). *When Battered Women kill*, MacMillan/Free Press.
- [60] Chesney-Lind, M., & Sheldon, R. G. (1997). *Girls, delinquency, and juvenile justice*. Belmont, CA: West/Wadsworth. Cox.
- [61] Cowie, J., Cowie, V. and Slater, E. (1968). *Delinquency in Girls*, London: Heinemann.
- [62] E. Sutherland, D. Cressey. (1966). *Principes de criminologie*. Paris, Editions Cujas.
- [63] E. Sutherland, D. Cressey. (1970). *Principles of criminology*. 8th ed. 1 v. Chicago: Lippincott.
- [64] Feitel, B., Margetson, N., Chamas, J., & Lipman, C. (1992). Psychosocial background and behavioral and emotional disorders of homeless and runaway youth. *Hospital and Community Psychiatry*, pp 155-159.
- [65] Konopka, Gisela. (1966) *The Adolescent Girl in Conflict*. Englewood Cliffs, N.J.: Prentice-Hall, Inc.
- [66] Krueger, R. A. (1988). *Focus groups: A practical guide for applied research*. Newbury Park, CA: Sage.
- [67] Levinson, David. (1988). *Family Violence in Cross-Cultural Perspective*. In *Handbook of Family Violence*, ed. V. B.
- [68] Van Hasselt, R. L. Morrison, A. S. Bellack, and M. Hersen, 435-456. New York: Plenum Press.
- [70] Morris, R. (1964) 'Female Delinquency and Relational Problems, *Social Forces*, 43 (October).
- [71] Murphy, Timothy F. (2004) *Case Studies in Biomedical Research Ethics*, Cambridge, MA: MIT Press.
- [72] Parrillo, Vincent (2008). (Editor). *Encyclopedia of Social Problems (Two Volume Set)*. SAGE Publications, Inc.
- [73] Sadeghi-Fassaei, Soheila. (1996). *Women and Crime in Iran: The Effect of the Circumstances of Women's Occupation on Crime*, Unpublished PhD Dissertation, University of Manchester.
- [74] Sarantakos, S. (1993). *Social Research*. South Melbourne: Macmillan Education Australia Pty. Ltd.
- [75] Schechter, Susan. (1999). *Women And Male Violence: The. Visions and Struggles of the Battered Women's. Movement*, Boston: South End Press.
- [76] Smart, C. (1977). *Women, Criminal and Criminology*, Rutledge and Kegan Paul.
- [77] Weber M. (1981) Some categories of interpretive sociology. *The Sociological Quarterly* 22: pp 151-180.